

سپاس خداوند را، آن نخستین که پیش از او، نخستی نه و آن پایان که پس از او پایانی نیست. آنکه دیده دیده‌وران به دیدار او نراسوا و خیال ستایندگان، از ستون‌وی ناتوان است. آفریدگان را با توانایی خویش شبانسته نوآوری کرد و آنان را به خواست خود، بایسته، پدید آورد. آن گاه آنان برانگیخت. آفریدگان را ایاری آن نیست که از آنچه خداوند آنان را در آن، پیش داشته، واپس مانند و توان آن نه تا از آنچه آنان را در آن، واپس افکنده، پیش افتند. برای هر جاندار از آفریدگان توشه معلوم تقسیم شده‌ای از روزی خویش نهاد. فزون داده او را، کلمنده‌ای نمی‌کاهد و کم‌داده او را افزایشده‌ای نمی‌فزاید.

صحیفهٔ سجاده‌ی مناجات‌نخست/ ترجمه‌علی موسوی‌گرم‌رودی

زورقی روان بر دریایی از معانی

◀ | حسین دزفولی

بحارالانوار، به مثابه دانشنامه‌ی برای شناخت شیعه است که نویسنده و محقق آن علامه محمدباقر مجلسی (۱۱۱۰-۱۰۳۷ قمری) آن را براساس دو یادگار ماندگار پیامبر نور و رحمت، یعنی قرآن و حدیث نوشته است. تدوین و نگارش این کتاب، چهل سال از عمر مجلسی را به خود اختصاص داد. وی با کمک گرفتن از دانش آموزتگان مکتب پربار اصفهان، براساس حدود ششصد منبع شیعه و سنی، با تقسیم موضوعی زیبا و ابتکاری، همراه با شرح و توضیح راهگشا و تبیین‌های مفید، اثری جاودانه بر جای نهاد که چاپ جدید آن، در صد و ده جلد عرضه شده است.

درباره این کتاب، در کنار پژوهش‌های ارزنده و آثار تحقیقی، بی‌مهری‌ها و نقدهای شتابزده عرضه شده که غالباً بدون شناخت دقیق کتاب و نویسنده و زمینه و زمانه او صورت گرفته‌اند. این سخن تفصیلی دارد که گفتاری مستقل می‌طلبد.

باری، انبوه حقایق و مطالب ارزشمندی که در این کتاب پربرگ و پربار آمده، نیاز به راهنمایی موضوعی داشت که پژوهشگران برای دستیابی به مطلب مورد نظر خود، به زحمت زیاد نیفتند؛ خصوصاً با توجه به چاپ سنگی آن کتاب که در حدود صد سال پیش منتشر شده و به راستی استفاده از آن احاطه کامل بر تمام بحارالانوار را می‌طلبد و این ویژگی فقط در برخی از دانشوران وجود داشت.

از سویی محدث شهیر شیخ عباس قمی به جهت دقت و وسواس علمی، مقید بود که احادیث را در گفتار و نوشتار خود، از روی اصل منبع بخواند و بنویسد؛ تا باب تحریف و تغییر در احادیث را ببندد و درس دقت نظر علمی را به آیندگان بدهد. بدین روی، برای پژوهش‌های حدیثی، احادیث را علاوه بر منبع اصلی آنها، در بحارالانوار نیز می‌جست تا از توضیحات علامه مجلسی نیز بهره‌گیرد.

محدث قمی در خلال این مراجعات، به ضرورت تألیف راهنمای موضوعی برای بحارالانواری برده بود و خلأ چنین کاری را به خوبی حس می‌کرد. چنین شد که با مطالعه مکرر بحارالانوار که بیش از سی سال طول کشید، برای نخستین‌بار مجموعه‌ای نظام‌مند به شیوه‌الفبایی نگاشته و آن را «سفینه‌البحار» (به معنای کشتی جاری در دریاها) نامید. این راهنمای موضوعی

که در عین حال، تلخیصی عالمانه از اصل کتاب همراه با افزوده‌هایی مفید و خواندنی است، نخستین بار تحت نظر محدث قمی در نجف در دو جلد منتشر شد و پس از آن نیز بارها منتشر شده‌است.

علامه کتاب‌شناس فقید مرحوم سید احمد روضاتی، مقدمه‌ای به زبان عربی بر یکی از چاپ‌های این کتاب نوشته و ویژگی‌های آن را به خوبی شناسانده است.

ترجمه فارسی این مقاله کوتاه و پربار (به ترجمه استاد حمید سلیم‌گندمی) با عنوان «گفتاری درباره جوامع حدیثی و سفینه‌البحار» در فصلنامه سفینه شماره ۷۰، ص ۱۳۲- ۱۰۵ درج شده‌است و این یاداشت مختصر، گنجایش توضیح بیشتر ندارد.

اصل کتاب سفینهٔ البحار، پس از نخستین چاپ در نجف، دو بار دیگر منتشر شده است: چاپ تهران، نشر اسوه در هشت جلد و چاپ عالمانه بنیاد پژوهش‌های اسلامی در چهار جلد.

کار محققانه دیگر در باره سفینهٔ البحار، «مستدرک سفینهٔ البحار» نوشته علامه فقید مرحوم شیخ علی نمازی است که از یک سوی، مدخل‌هایی افزون‌تر از اصل سفینهٔ البحار دارد و از سوی دیگر، مطالب افزون‌تر ذیل مدخل‌های کتاب محدث قمی در بر دارد. این کتاب نفیس نیز که ده جلد دارد، بارها منتشر شده‌است، از جمله نیز که بنیاد بعثت در دهه ۱۳۶۰ و پس از آن چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم که بارها به بازار کتاب آمده‌است. این دو کتاب که با احاطه نویسندگان آنها بر آموزه‌های شیعی، تسلط آنها بر منابع و اعتبارسنجی آنها و نیز اشرف بر بحارالانوار فراهم آمده، برای پژوهندگان موضوعی بحارالانوار فرضی نیکو فراهم آورده‌است. کسانی که به سفینهٔ البحار رجوع کرده‌اند، نیک می‌دانند که با وجود معجزه‌های لفظی پرفایده که اکنون به کمک کامپیوتر، بازیابی مطالب را بسیار آسان کرده، هنوز دو کتاب محدث قمی و محدث نمازی جای خود را دارد، هر دو بدان روی که این دو کتاب، راهنمای جست‌وجوی موضوعی در مطالب صد و ده جلد بحارالانوار است و این مهم به وسیله نرم‌افزارهای جست‌وجوی لفظی به دست نمی‌آید.

فاطمه علوی /گفتم از رفتش بسیار شنیده ام. برای کم از بودنش بگو. گفت از بودنش همین بس که خدا به پیامبرش گفت: «انا اعطیناک الکوثر». گفت می دانی «کوثر» یعنی چه؟ گفتم اسم رودی است در بهشت! نمی دانم سوالم سردوشش آورده بود یا جوابم. از جایش بلند شد، دست‌هایش را توی هوا تکان داد و با حرارت از کوثر گفت.

کوثر یعنی زیاد، خیلی زیاد، نه از این زیادهای معمولی، زیاد با کیفیت، زیاد جاری، انگار رودی در بهشت، همان قدر چگال و همه چیز تمام. آنقدر زیاد و آنقدر جاری که پسرش بشود «حسین»(ع)؛ همان حسینی که در بودنش آن‌طور بود که بارفتنش، حرارتی به دل آدم‌ها انداخت، که هرگز خاموش نخواهد شد. اسم «حسین»(ع)، اسم که چشم‌هایم آورد. گفتم قربان‌شان بروم که اینقدر رفتن و بودنشان در دهکده آمیخته‌است. انگار بودنشان بوی رفتن می‌دهد و رفتنشان سرشار از بودن است.

آسیب شناسی رسانه‌ای در نشر مفاهیم آیینی

برخی مفاهیم، آنقدر به شهرت می‌رسند که آمدنشان به متن زندگی، در سایه بلند آواژی شان، محو می‌شود.

بی‌شک یکی از این مفاهیم پرآوازه است که در کمال تأسف، در عمل آن‌طور که «سواد رسانه‌ای»، بدان توجهی نشده است. «سواد رسانه‌ای»، نوعی مهارت بسیار ویژه است که در عصر حاضر یکی از مهم‌ترین آموزش‌ها در جهان قلمداد می‌شود. «سواد رسانه‌ای» به فرد این توانایی را می‌دهد که از مطالب منتشر شده در انواع شبکه‌های رسانه‌ای، تحلیل مناسبی داشته باشد. داشتن «سواد رسانه‌ای»، مانند دانایی داشتن در علم تغذیه، به فرد این مهارت را می‌دهد که نوع تغذیه دریافتی و رژیم خود را انتخاب کند. در واقع همه اطلاعات و اخباری که امروزه از طریق «رسانه»،

به فکر و ذهن مردم تزریق می‌شود، ترکیبی از انواع خوراک‌هایی است که برای همه مناسب نیستند. این‌جاست که «سواد رسانه‌ای» به کمک فرد می‌آید تا او را از دچار شدن به مسمومیت‌های ذهنی و فکری نجات دهد و خوراک سالمی پیش رویش بگذارد. شاید بتوان گفت نخستین گام در مسیر کسب این مهارت، شناخت «رسانه» و انواع آن است. «رسانه» این قدرت را دارد که در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با بالاترین کیفیت، اخبار و مطالبی را منتشر کند و این، هنر و تشخیص مخاطب است که بتواند واقعیت را از شایعه تشخیص دهد. در واقع «رسانه»، تیغ دوحله‌ای است که می‌تواند در یک چشم بر هم زدن، شایعه‌ای را در قالب واقعیت بیان کند و بالعکس.

از نظر برخی پژوهشگران، «رسانه»، انتقال دهنده پیام است و به هیچ وجه به رادیو و تلویزیون و روزنامه و کتاب محدود نمی‌شود؛ بلکه هر ابزارکی که بتواند پیامی را منتقل کند، «رسانه» محسوب خواهد شد. در یکی از تقسیم‌بندی‌های «رسانه»، می‌توان رسانه‌ها را بر اساس قالب پیام، به انواع نوشتاری- شنیداری و دیداری- شنیداری و بر اساس سرعت انتقال پیام، به دو دسته تند و کند تقسیم کرد.

آنچه در این نوشتار بدان پرداخته می‌شود، سواد رسانه‌ای در حوزه نوشتاری است که عدم توجه کافی به مهارت‌آموزی در آن، نفوذ تفکر نویسنده، به ذهن

- پنجشنبه ۳۰ دی ۱۴۰۰**
- سال بیست و هفتم**
- شماره ۷۸۲۹**

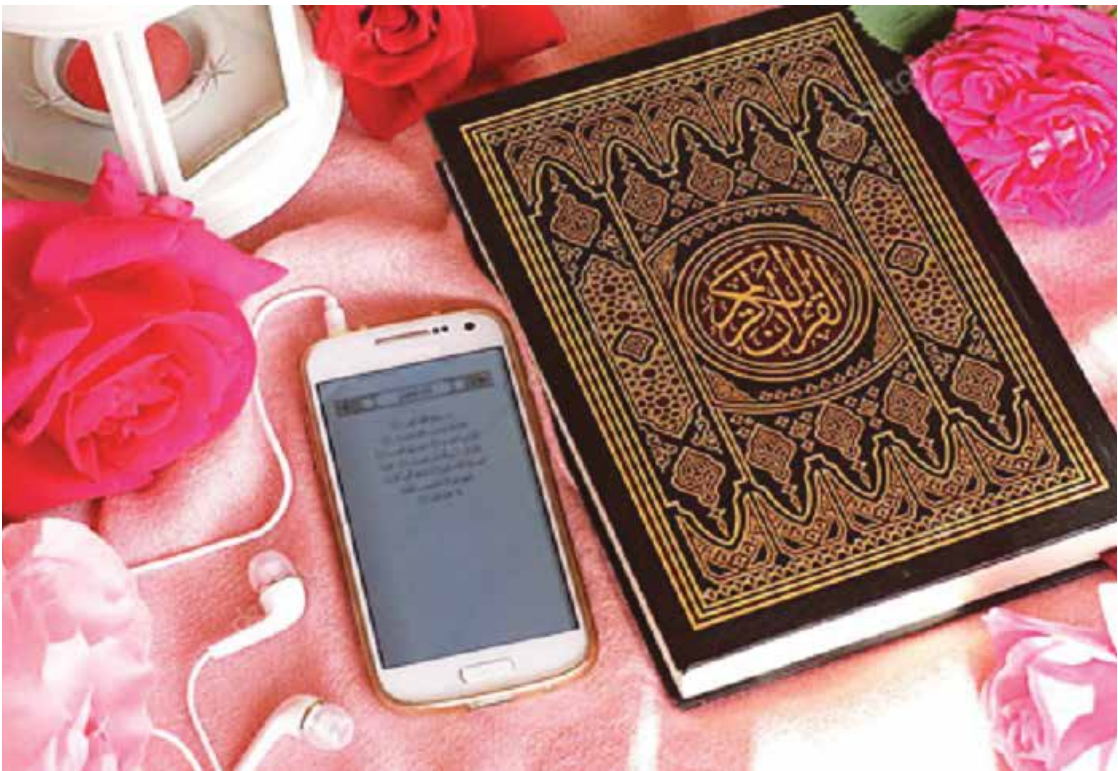
سروش را تکان داد که همین‌طور است، اشک‌هایش که چکید دوباره لبخندی روی صورتش پهن شد، گفت آنقدر رفتنی بود که در بودنش بوی بهشت می‌داد. به یاد آمد که شنیده بودم پیامبر قبل از هر سفر و بعد از هر برگشتن از سفر، به دیدار فاطمه(س) می‌رفت و او را می‌بوید! گفت: در بودنش آنقدر بوده که پیامبر خستگی‌هایش را برمی‌داشته می‌برده پیش او.

یاد ماجرای «کسا» افتادم، آن روز که پیامبر آمد پیش دخترش گفت فاطمه احساس ضعف می‌کنم، آن روز که فاطمه بود و پدرش، فاطمه بود و پسرانش. همانجا بود که آیه نازل شد، انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل بیت و یطهرکم تطهیرا! حالاً من بودم که به وجد آمده بودم، گفتم فاطمه بودنش رود بود، رودی از بهشت، همان گونه زلال و جاری!

آغاز کتاب خدا برنام «الله»، «رحمن» و«رحیم» از آن جهت است که همه معانی در آن سه نام جمع است و آن معانی سه قسم است. قسمی جلال و هیبت و آن در نام «الله» است. قسمی نعمت و تربیت و آن در نام «رحمن» است. قسمی هم در رحمت و مغفرت که در نام «رحیم» است.

اینکه آغاز به نام «الله»، «رحمن» و «رحیم» شده، جهت آن است که سرآغاز همه، آفرینش است. بعد قدرت و پرورش و سپس رحمت و آسززش، یعنی آنکه به قدرت بیافریدیم و به نعمت برپروریدیم و به رحمت بیمارزیدیم! بی‌طریقت گفت: خداوند! نام تو ما را جواز، مهر تو ما را جهاز، شناخت تو ما را امان و لطف تو ما را احسان! خداوند! ضعیفان را پناهی، قاصدان را برسرراهی و مؤمنان را گواهی، چه عزیز است آن کس را که تو خواهی.!!

تفسیر ادبی - عرفانی کشف الاسرار ذیل تفسیر «بسم الله الرحمن الرحیم»



باید توجه داشته باشیم که در فرایند ترجمه، ممکن است متن اصلی آسیب دیده باشد. به طور مثال، اگر این مهم مورد توجه بود، قرآنت‌های فکری از قرآن خواند که امروزه متداول شده و گاه در مقابل یکدیگر و بلکه در مقابل سنت اصیل رسول خدا(ص) است، مشکل آفرین نبودند.

درنگ چهارم، «توجه به تخصص علمی نویسنده» است. بدین معنا که برای پذیرش نظریات یک نویسنده در غیر از حوزه تخصصی وی، درنگ بیشتری مورد نیاز است. به عبارتی دیگر، نمی‌گوییم که کسی حق ندارد در رساله‌ای غیر از تخصص علمی خود اظهارنظر کند اما، برای پذیرفتن آن نظر، نیازمند بررسی دقیق‌تر و محققانه‌تری هستیم.

درنگ پنجم، آن است که «مرعوب اسامی نشویم!» گاه بزرگ بودن نام نویسنده، بر میزان سالم بودن خواننده نسبت به مطالب وی تأثیری چشمگیر دارد و این، با اصول سواد رسانه‌ای در تضاد مستقیم است. پیشوایان الهی ما، از حضرت مسیح(ع) گرفته تا علی بن ابی طالب (علیهما السلام)، بر این هوشیاری تأکید داشته و فرموده‌اند: «همواره نقد کنند کلمات باشدید. به گوینده سخن ننگرید؛ بلکه به سخن او بنگرید!» یعنی، پیش از آن‌که بزرگی نویسنده یا گوینده، مرعوبتان کند، سخن وی را در ترازوی بررسی و نقد بگذارید و راست را از غلط تشخیص دهید.

محروم کرده است! ایشان در ادامه فرمود: «دیدگان با مشاهده او را نمی‌بینند ولی قلب‌ها با حقایق ایمان او رامی‌بینند!»

این مطلب البته به این معنا نیست که به مجرد دیدن «سه نقطه» و در نقل قول‌ها، حُسن نیت نویسنده را زیر سؤال ببریم اما، دانستن این‌که در دنیای رسانه، وقایعی بیچنین در حال اجراءست، خواننده را هوشیار خواهد کرد.

درمان اصلی برای کشف حقیقت در مسیر پژوهش، مراجعه به نقل قول‌های اصلی و مراجعه

به کهن‌ترین منابع در آن زمینه است. **درنگ سوم** در این مسیر، «توجه به آسیب‌های ترجمه» است. وقتی صحبت از متون مبدأ و مقصد به میان می‌آید، نقش فهم مترجم از متن مبدأ بسیار پررنگ خواهد بود. برای نمونه، آن‌کس که تنها از ترجمه قرآن مجید استفاده می‌کند و خود، زبان مبدأ را-که عربی است- نمی‌داند، باید ببیند که فهم خود را به فهم مترجم از آن آیه یا آیات سپرده است. سال‌هاست که پژوهشگران، برای پژوهشی صحیح بن ابی‌طالب(ع) نقل کرده بود که از ایشان پرسیدند: «آیا تو خدا را دیده‌ای؟ فرمود: «خدایی را که ندیده‌ام، عبادت نمی‌کنم...»!

این در حالی است که نویسنده، با گذاردن «سه نقطه»، خواننده را از خواندن ادامه سخن ایشان

یادی از محدث قمی، عالمی که انسان را از کردار زشت و پندارهای ناروا باز می‌داشت و به خدا و عبادت متوجه می‌کرد عارف فروتن

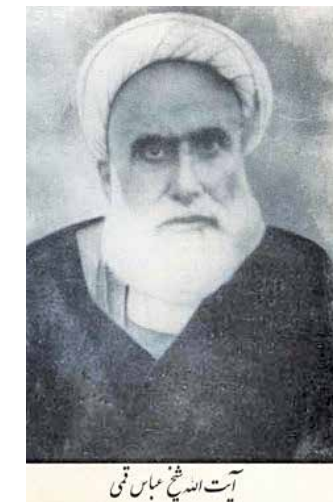
◀ **دکتر عبدالحسین طالیعی**

استاد دانشگاه قم

اول بهمن‌یاد روز رحلت بزرگمردی است که نام و یادش همراه جاویدان است و در دل تمام دوستداران اهل بیت جاری‌د.

عالم کلام و محدث و مفسّر و الاوقام، مرحوم حاج شیخ عباس قمی عالمی محقق بود که در میان عموم مردم به کتاب نورانی مفاتیح‌الجنان، در میان پژوهشگران علم حدیث به کتاب سفینهٔ البحار، در میان اهل اهل‌تاریخ به منتهی‌الامر و تتمه‌المنتهی شهرت دارد؛ چنانکه اهل علم تراجم او را به کتاب الکتی واللقاب می‌شناسند؛ فقه پژوهان از کتاب تتمهٔ بدایهٔ الهدایه او بهره می‌برند؛ امامت پژوهان نیز از کتاب فیض‌القدر فی ما یعلق بحدیث الغدیر او بی‌نیاز نیستند و سرانجام، کتاب منازل‌الآخره او برای کسانی که به آینده می‌اندیشند، چراغ راه است. اینها تنها برگی از کتاب پربرگ و پربار زندگانی پژوهشگری ستهپننده است که تنها شصت و پنج بهار در این دنیا زیست و جوی او در این زمان بسیار خالی است.

وی در سال ۱۲۹۴ ه‍.ق (۱۲۵۴ ه‍.ش) در قم متولد شد. در سن بیست و دو سالگی به نجف رفت و شش سال آنجا ماند. پس از آن دوباره به ایران برگشت و تا آخر عمر، یعنی تا شصت و پنج سالگی در قم درس خواند و درس داد. پدرش محمدرضا، کاسبی متدین و آگاه به احکام دین مبین اسلام بود، چنانکه مردم



نخستین امام برحق، کنار مرقد استادش محدث نوری، به خاک سپرده شد.

آثار او روان، کاربردی، بدون تکلف و مفید برای تمام طبقات است. خلوص نیت و التزام به حق گوئی در کتاب‌هایش موج می‌زند، چنانکه در گزارش‌هایی که از سخنرانی‌هایش به ما رسیده، نمایان بوده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی، درباره او می‌نویسد: «... او بیوسه سرگرم کار بود، عشق شدید به نوشتن، بحث و تحقیق داشت. هیچ چیز او را از این شوق و عشق

انسان را از کردار زشت و پندارهای ناروا باز می‌داشت و به خدا و عبادت متوجه می‌کرد».

درباره وی در منابع معتبر به تفصیل سخن گفته‌اند. برخی از منابع در اینجایاد می‌شود:

- محدث ربانی، مجموعه مقالات همایش هفتادمین سال محدث قمی، قم: نور مطاف، ۱۳۸۹.
- شناخت نامه محدث قمی. همان ناشر.
- مجموعه‌ای گزیده از مقالات مجلات درباره ایشان. چشم‌انداز نور. عبدالحسین طالیعی. همان ناشر. معرفی اجمالی کتاب‌های محدث قمی.
- مفاخر اسلام جلد یازدهم. استاد فقید علی دولتی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- در دو مجلد، بیش از هزار صفحه). این کتاب از کامل‌ترین و معتبرترین منابع در مورد محدث قمی است که با نکتیه بر یادداشت‌ها و اسناد و دستنویس‌های ایشان (موجود در کتابخانه شخصی ایشان) نوشته شده است.
- حکایت انگشت و استکان. سعید روح افزا. تهران: همشهری، ۱۳۹۰. داستانی برای جوانان درباره محدث قمی.
- نرم‌افزار شیخ عباس قمی. قم: مرکز تحقیقات سخنان و گفتارش از دل برمی‌خاست و خود به آنها معتقد بود و قبل از دیگران به آنها عمل می‌کرد، بدین روی در شنوندگان و مخاطبان تأثیری ژرف و پایدار داشت و بر دل می‌نشست. برخی از آنان که شرف صحبتش را دریافته و پای درس‌های اخلاق و مواظط سودمند ایشان حاضر می‌شدند، گفته‌اند: «سخنان نافذ آن مرحوم چنان بود که تا مدتی دراز،